

تکیه بر حسن مکن ، در طلب علم برآی  
این درختیست که هر فصل دهر بر تو ثمر  
کوش از علم به خود تکیه گهی ساز کنی  
چون ببندد حسن از خدمت تو ساز سفر  
درس را باید زان پیش که ریش آید خواند  
نشیدی که بود درس صغر نقش حجر ؟  
دانش و حسن به هم نور بود  
وہ از آن صاحب حسنی که بود دانشور  
۵ - علم اگر خواهی با مردم عالم بنشین  
گل چو گل کرد خوش بو چو به گل شد همبر  
هنری مرد به بد بختی و سختی نزید  
ور زید يك دو سه روزی نبود افزونتر<sup>(۱)</sup>

#### وترجمتها :

- لا ترکن إلی حسنک وجمالک ، وأقبل علی طلب العلم ، فهو شجرة تجني ثمارها في كل الفصول
- واجتهد في أن يكون متكوك العلم ، وإذا ما تخلف حسنک وجاهک عن خدمتک ، فاهجرهما وارحل
- عليك بتحصيل العلوم قبل أن تنبت ذقنک ، ألم تسمع بأن اللرس في الصغر كالنقش على الحجر ؟
- إذا اجتمع الجاه والعلم ، فهما نور علی نور ، وأجمل بصاحب جاه إذا ما أصبح عالماً !

---

۱ - دیوان ایرج میرزا ، ص : ۲۲ .